

شعر روززادروز
حنانه میرباقری کاربر انجمن تک رمان

روز زادروز 

حنانه میرباقری 

ملیکا قائمی 



انجمن تک رمان

WWW.TAAKROMAN.IR

روز زادروزی که از آن توست
برترین روزی ست که از آن من است





شناسنامه کتاب:

دسته بندی: شعر

نام اثر: روز زادروز

نام نویسنده: حنانه میرباقری

تخلص: شهبانو

ژانر: عاشقانه

قالب: کلاسیک: مثنوی، قطعه، دو بیتی، رباعی

طراح: ملیکا قائمی

ویراستار: nesa

کیپیست: Elnaz.H (الناز حقیقی)

این کتاب در سایت تک رمان آماده شده است

www.taakroman.ir

خلاصه:

دنیا که نبود جز چند روزی ایام ناخوشی و سعادت

حاشا که چرا نبود سور و شادم ز روز میلادت؟

سخن نویسنده :

سلامی گرم عرض می کنم، خدمت تموم خوانندگان عزیز و واقعا یه سلام و تشکر جانانه دارم، برای عوامل انجمن تک رمان؛ واقعا از شون ممنونم که ان قدر زود به کارها رسیدگی می کنن و همین مسئولیت پذیری بی نظیرشون باعث شد، من این کار عجله ای خودم رو این جا برای اولین بار به اشتراک بزارم .

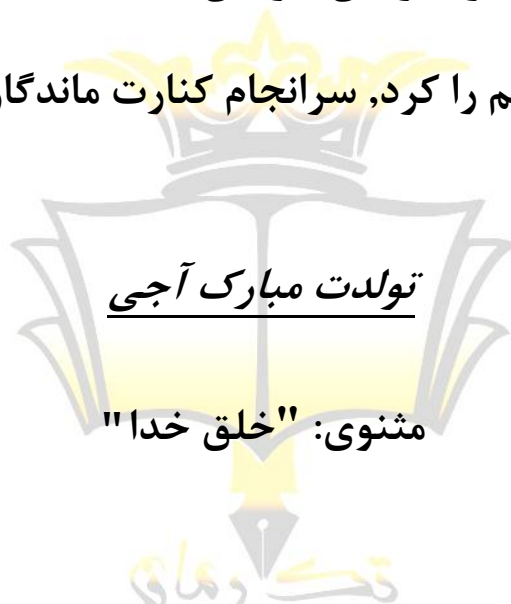
در آخر بگم، که تمام این شعرها و تمام حرف هایی که صادقانه بیانشون کردم؛

مختص تبریکی ویژه تولد برای خواهرمه .

هیفا، خواهریم تولدت مبارک . . .

دو بیتی: "نهار ازل"

- . . . امان، ز حال مان که نههار ازل روزگار . . .
- . . . داشت بی اطلاعات ز عشق ام روز بهار . . .
- . . . بی خبر! خرامان خرامان، فسانهات . . .
- . دلکم را کرد، سرانجام کنارت ماندگار .



- . در عجب خلق خدا، ز نههار میلادت شده ام حیران .
- . در وصف حال خدا، در روز آغازت شده ام سرگردان .
- . چه روزی بود، آن روز که ایزد بوده دلشاد و خوشحال .
- . من که ندانم چه هستی؛ ولی بی شک شده ای خوش اقبال .

تولدت مبارک خواهری

مثنوی: "ای کاش"

- ای کاش! که تنها روزی، جای متکای دلبر تو بودم .
- ای کاش! که همانا جای او، خوابگاه سر تو بودم .
- ای کاش! که حاشا، جایی نبود در سخنم و من در تو بودم .
- ای کاش! که جانا، روزی چنین می شد بلکه کنار تو بودم .

تولدت مبارک اختی

مثنوی: "ارزش روز میلادت"

- وصف حال خوش نیابد خوش من را،
- نشود که کنم توصیف دل پر تپش؛ اما خندان من را . . .
 - دوریم ز هم و نبودیم کنار هم تمام لحظات را،
 - ولی همی دوری، نتواند کند کمی ارزش روز میلادت را . . .

تولدت مبارک مای سیسترم

مثنوی: "هیئات"

- های و هی داد، که نمی فهمی چه زیباست داشتنت .
- ای داد و بی داد، که نفهمیدم چه در سکوت نداشتمت .
- آی د*ر*د و درمان، کاشکی می شد شوم شبیهت دو روزی .
- هیئات که سهم من ز میلادت، تبریکست اندر این دوری . . .

تولدت مبارک عزیز دلم

قطعه: "سرور روز میلادت"

- هر چه هست سبزه و سار آغشته به گل،
- نرسد به دل شاد و شادمان سبز رویت .
- هر چه هست شعله های آتش پر سوز،
- نرسد به ل*ب*های چو غنچه تازه رویدهات .

هر چه هست دره و ژرفای عمیق،
نرسد به طره‌ای از جنگل سیاه گیسوانت .

هر چه هست وفا و مهر خورشید،
نرسد به پای دلبری و دلربایت .

هر چه هست روز شادی و سور،
نرسد به پای سرور روز میلادت .

تولدت مبارک خوشگلم

مثنوی: "زین برزن"

من که بُدَم و نشد که بمانم، کاین روز سعادت و میلادت،
ولیکن بدان ار بودم، چراغانی می کردم زین برزن را برایت .
منتها حال هم رخصت دلتنگی به دل، دل سپرده‌ات ندهم .
گاهی سخت و گاهی آسان، راه دارد خندانند آن صورت جان سپرده‌ام .

تولدت مبارک نفسم

مثنوی: "ای داد و بی داد"

گر کسی که قدر تولدت ندانست،
تو را شناخت و ندیده بر باد رفت .
ار کسی آمد و روز میلادت مسرور نشد،
تو را درک نکرد و درک نشده ز دنیا می رود .
اگر کسی ل*ب گشود و بی تبریک گذر کرد،
دریغا! که بی عشق بار ز دنیا ببسته و ای داد و بیداد .

تولدت مبارک بانو جان

مثنوی: "دلت لبالب ز عشق"

برایت چیزی دارم، برایت سبد سبد و دسته دسته
آرزو و دعا هایی دارم. زین حال و دست بسته
برای تو از اعماق این دل خجسته دعا می کنم .

- می بندم خود را به یک ضریح زنجیر شده و دعا می کنم،
- که تا نشود برآورده، ز جایم قسم که تکان نمی خورم .
- زین روز مبارک، تنها حاجت دلم، که برای توست می گیرم .
- برایت آرزو می کنم جانانم، لب ت همیشه خندان،
- سرت بی غم، نگاهت شاد و دلت لبالب ز عشق باشد شادان .

تولدت مبارک جانا

مثنوی: "تاب تاقت"

- گاه دلم می گیرد، برای حسرت های بی گاهم .
- گاه دلم دیگر ندارد تاب تاقتِ دوری ما ز هم .
- چه عشقی بود، این عشق که زیباتر ز هر زیبایی بود .
- چه عشقی بود، این عشق که ممنوع تر از هر ممنوعی بود .
- سر بی د*ر*د را بعد تو سپردم به دست باد زمانه،
- مگر قلب بی تو سرِ زندگی و سرزندگی دارد در این خانه؟! !

- عجب دنیای پر دردسری شدی، در سر پر سودایم
- عجب عشقی داشتی در برت که نفس داد به نفس‌هایم .
- حاشا که زندگی کردن بی تو، برای من دروغی هویداست .
- دلا بدان که روز آغاز زندگیت برای من، شادی آشکاراست .

تولدت مبارک جان دل

مثنوی: "دلبریت ای دلبرده" . . .

- دلتنگی تو زین دل نامبرده مباد، همچو درگیری جمعه .
- دلتنگی تو برای این دل درمانده مباد، همچو هوسی گم شده .
- دلستن دل این چون؛ مانند آینه‌ای است که یار می‌بیند .
- اما دلش نتواند باور کند وی برایش واقعی نخواهد شد . . .
- دل دادن این دیوانه، بغضیست که نه می‌تواند پس دهدش
- و نه می‌تواند همچو تیری گداز و ناساز در جان نگه داردش .
- دلبریت برای من دلداده، یعنی صبر در سپری شدن زمان .

- دلبریت ای دلبرده! برای من، یعنی امیدی دوباره در جان

تولدت مبارک دلبر جان

مثنوی: "مبادا"

- دگر هیچ کادو و پیشکشی، ز آرزوهایم ندارد ارزشی
- دیگر هیچ تحفه‌ای ز اذهانم، در برابرت ندارد جلوه‌ای
- امانا خدایا! که مبادا من عاشق پیشه، شوم راهی بیشه
- فریاد خداوندا! که نکند تقدیر مرا در نگاهش کند بهانه
- ای آفریده عشق، روزی که افریدی عشق این معشوق را،
- مبادا نباشد ز یادت، بگذاشته باشی ز دامانش عشق مرا

تولدت مبارک امید من

مثنوی: "همه وهم و وحی"

- ای که تو همه‌ی د*ر*د و درمان جان و جهان منی جانانم،
 نکند که تو باشی در جهانی بی من، که سر به بیابانم .
 ای که وجودت همه وهم و وحی من دیوانه شده،
 نکند که مبادا خنده‌ات نیاید به ل*ب بی من، ز روزی که
 جهان تو با تو پا نهاد به این تبعیدگاه هستی آدمیزادان .
 جان و جهان، صبری بیشه کن که نزدیک است پایان .

تولدت مبارک بانو

رباعی: "ندارد کسی جز من، تویی"

- پنهان ندارد، که همگان همه‌ی دنیا دارند زیبایی .
 انکار ندارد، که همگان همه‌ی دنیا بلدند دلبری .
 ولی حاشا که لنگه ندارد کسی جز من، تویی
 ز فریاد ابا ندارد، دلی که ندارد جز میلادت دل خوشی .

تولدت مبارک شهبانو

قطعه: "فرق دارد"

- فرق دارد دوست داشتن کسی که، نیازمندت است .
- فرق دارد دوست داشتن کسی که، نیازش شده‌ای .
- دلدادهی سر به هوایت که یک‌باره کم کم دل‌بندت شده،
- فرق دارد با آن که، در یک نگاه کیش و ماتش کرده‌ای .



گه گاهی حس میکنم آگاهانه یا ناآگاه،
برایت ز عشق کم گذاشته‌ام .
گفته بودم بی تو زنده نمی‌مانم؛
اما هنوز هم این منم که نمرده‌ام !
مگر روزی عاشقانه‌تر ز روز میلادت هست؟!
که آمد و من نمردم؟! !

تولدت مبارک عزیزم

مثنوی: "بهتر و مهتر"

امشب بدتر ز هر شب، شاهد خود دیوانه‌ام شده‌ام .
امشب چهره‌ات، ز همیشه بهتر و مهتر آشکار شده مقابلم .
کس نمی‌داند ولی خنده به ل*ب، من امشب خواهم مرد !
کس نفهمد، ولی امشب هوای تو، چه هویدا دل را هوایی کرد !
ندارد عالم برایم امتحانی سخت‌تر ز این روز میلاد .
نمیرد دیگر دل، گر رساند این شب را به روز موعود .

تولدت مبارک ای دل و جان

مثنوی: "دلیل نَفَس"

کی منِ آواره و دیوانه، اهل آواز و اسیری بودم قبل تو؟! !

کی من، خریدار خیریت دل و دیوانگی بودم قبل تو؟!

یک آن روح و جان دل را، به نام خود کرده‌ای .

و حال، ز حال زار خود قبل من گویی؟

شاید آری، ز نبودنت هم من اهل قافیه سرایی بودم .

ولیکن، تو شدی آن الهام زیبای شروع شعر و اشعارم .

شاید آری، هم قلم و هم قلبم آماده بود ز جان دادن،

منتها تو شدی آن دلبر ماهر این دل، که شده آشفتن .

شاید آری من زنده بودم، حتی قبل آمدنت به دنیایم .

اما تو شدی دلیل نَفَس های زندگی این زنده‌ی در وهم .

تولدت مبارک دریای زیبام

نامی که هر دم و دم به دم میان زبانم جاریست،

کنده می‌شود روی هر سنگی که شروع آغازیست .

*

تو، همه جان و جهان این دیوانه‌ی جانی شده‌ای .

ای قاتل جانی، که مرا با آمدنت اسیر دلت کرده‌ای .

مثنوی: "شرط و شروط"

- قبول دارم که وفایت، شرط و عهدهت به شروط است .
- قبول دارم که زیباییت، بی نظیر و دلرباییت زیباست .
- ولیکن تو هم قبول کن که داشتنت، نَبُود کمتر ز توهمی .
- منتها، تنها داشتنت که می شود رنگی بر روی قاب پر نقشی .
- من عاصی راضی شده‌ام، به رضایی که ز خدا بوده .
- و قلبت را، ز روز نوروزت از آن من دانسته .
- راضیم به دلی که در توست و برای من می تپد .
- دوست دارم عشقی را که در آن قلب می جوشد .

تولدت مبارک دختر بارون

مثنوی: "مسکن"

- نمی دانم چرا من دیوانه، ز گفتن از تو سیر نمی شوم .
- نمی دانم چرا پیچ و تاب زلف هایت، نمی رود ز خوابم .

نمی دانم چرا عطر تنت، حتی لحظه‌ای تنه‌ایم نمی گذارد .

نمی دانم چرا جانا، جان من جز تو مسکنی نمی پذیرد .

جان من، جانان من، جانا جان من، دانم که این لحن‌ها را پسند نکنی، ولیکن

من تمام راه‌ها و تمام روش‌ها را،

برای گفتن دوستت دارم، برایت خرج می کنم .

گر باشد نفس آخرم، نجوا می کنم برایت، دوستت دارم .

تولدت مبارک آجی . . .

پایان

تقدیم به

#شانزدهم آبان هزار و سیصد و هشتاد و چهار

این فایل در سایت تک رمان تایپ و منتشر شده است. هرگونه کپی برداری پیگرد
قانونی دارد .

برای منتشر کردن آثار خود به سایت تک رمان مراجعه کنید .

TaakRoman . IR
Forums . TaakRoman . IR



